**تأثیر ایدئولوژی و آموزه‌های اسلامی بر روند صلح‌طلبی و تنش‌زدایی در سیاست خارجی دولت اصلاحات**

**حسین محسنی[[1]](#footnote-1)**

**رسول صفی‌زاده[[2]](#footnote-2)**

**چکیده**

 صلح و صلح طلبی از جمله دلمشغولی‌های بشریت از آغاز تا به امروز بوده است. دین اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین دین بشری فارغ از دغدغه صلح نیست. در متون و آموزه‌های اسلامی همواره به صلح دعوت شده و جنگ تجاوز‌کارانه تحریم شده است؛ این مهم را می‌توان در دعوت دین اسلام به صلح‌طلبی در روابط مسلمانان با خود، اهل ذمه و نیز کفار غیرحربی مشاهده نمود. به تبع آن جمهوری اسلامی ایران نیز بنابر داشتن ماهیت و هویتی اسلامی همواره صلح را دغدغه اصلی خویش دانسته و جنگ در رفتار سیاست خارجی آن یک استثنا محسوب شده است. در این اثنا گفتمان حاکم بر دولت اصلاحات با تأکید بر اصل گفتگو و تنش‌زدایی در مقابل سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، از جایگاه مهمی برخوردار بوده، لذا سیاست‌ خارجی در این دوران بر مبنای قرائتی واسازانه و نیز روایتی فرهنگی و مردم سالارانه از اسلام، به سمت و سوی صلح بیشتر گرایش یافته است. بر این اساس در این پژوهش نیز تلاش می‌شود بر مبنای رویکردی تبیینی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به تشریح تأثیر ایدئولوژی و آموزه‌های اسلامی بر روند صلح‌طلبی و تنش‌زدایی در دولت اصلاحات در چارچوب نظری کنش ارتباطی هابرماس پرداخته شود؛ به این ترتیب که هابرماس با توجه بر عقلانیت ارتباطی، گفتگو و پیروزمندی قدرت استدلال، به اجتناب از کاربرد تنش و زور تأکید دارد و این مهم را در سیاست خارجی دولت سید‌محمد خاتمی، به ویژه با تأکید بر اصل گفتگوی تمدن‌ها شاهد هستیم.

 **واژ‌گان‌کلیدی**: صلح، کنش ارتباطی هابرماس، تنش زدایی، دولت اصلاحات. گفتگوی تمدن‎ها

1. . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز hoseinmohseni52@gmail.com ( نویسنده مسئول) [↑](#footnote-ref-1)
2. . دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیراز rasool .safezadh@gmail.com  [↑](#footnote-ref-2)